

**مهناز کهندانی** تفرشی؛ در نظر به ولایت فقیه مسئله اصلی و مبنای حکومت فقط وضع قانون و نظام دادن به اجتماع نیست، بلکه رساندن انسان به مقام و اصل انسانیت است و یکی از مؤلفه‌های نظر به ولایت فقیه بحث تربیتی است. قرار است انسان در همه جنبه‌هایش به تعالی برسد که یکی از جنبه‌های آن جنبه اجتماعی و حضور در جامعه است، چراکه انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است، لذا در این نظر به باید توجه به ویژگی‌های قوانین در نظر گرفته شود. یکی از مواردی که باید حاکمیت به آن بپردازد جلوه بیرونی و اجتماعی زن و مرد است. از این جهت که

**سکینه خوش طبیعت:** اگر به گذشته نگاه کنیم مشاهده می‌کنیم که حجاب ابتدای انقلاب از وضعیت بهتری برخوردار بود. مادرها در خانواده‌ها حجاب را رعایت می‌کردند و پدرها هم به این موضوع اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. ما اصولاً در پیش از انقلاب دو نوع خانواده داشتیم. یکسری خانواده‌ها که تقید خاصی نداشتند و یکسری دیگر که شریعیات را رعایت می‌کردند و با حاکمیت موجود یعنی طاغوت زاویه داشتند، یعنی پدر و مادر این مسائل را رعایت می‌کردند و به فرزندان خودشان هم انتقال می‌دادند. در این خانواده‌ها پدر و مادر کاملاً خودشان را در برابر تربیت فرزندانشان مسئول می‌دانستند و تربیت دینی، اخلاقی و حجاب و ... را در

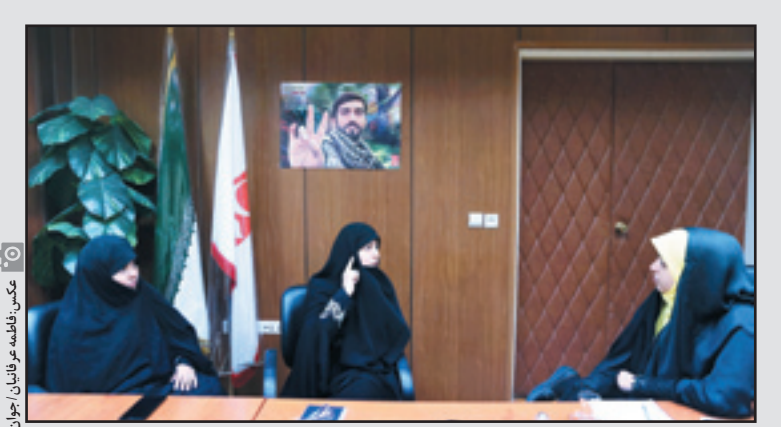
آنان انسان‌هایی هستند که در اجتماع زندگی می‌کنند و زندگی‌شان هم بر یکدیگر تأثیر دارد. از این رو حاکمیت دینی وظیفه دارد جو اجتماع را به گونه‌ای تأمین کند که زن و مرد بتوانند به حقیقت اصلی‌شان و چیزی که خداوند در نهادشان قرار داده است برسند به همین دلیل هم برای هر زن و مرد در اجتماع جایگاه و وظایفی در نظر گرفته شده است. وقتی این مسئله را بررسی می‌کنیم می‌بینیم حکم فقهی حجاب به گونه‌ای است که خدا صادر شده است که هم جایگاه زن بودن حفظ و هم شرایط مرد به گونه‌ای لحاظ شود که زن و مرد هر دو به آرامش دست یابند.

خانواده دنبال می‌کردند. بعد از انقلاب اما چون ما احساس کردیم حکومت دینی است پس بخشی از وظایف خانواده به صورت کاملاً محسوسی به حکومت انتقال یافت و خانواده‌ها همچون گذشته تعهد سابق برای تربیت فرزندانشان را دنبال نکردند چون احساس می‌کردند به دلیل حاکمیت دینی این تعهد بر گرده حاکمیت خواهد بود، بنابراین تربیت خانواده را بر عهده جامعه گذاشتیم. وقتی آن بخش از تربیتی را که خانواده باید انجام می‌داد به حکومت سپردیم، از امر و نهی‌هایی که در خانواده به زبان مادرانه بود فاصله گرفتیم و این مسئله موجب شد نقش خانواده در تربیت دینی کاهش یابد.

خانواده دنبال می‌کردند. بعد از انقلاب اما چون ما احساس کردیم حکومت دینی است پس بخشی از وظایف خانواده به صورت کاملاً محسوسی به حکومت انتقال یافت و خانواده‌ها همچون گذشته تعهد سابق برای تربیت فرزندانشان را دنبال نکردند چون احساس می‌کردند به دلیل حاکمیت دینی این تعهد بر گرده حاکمیت خواهد بود، بنابراین تربیت خانواده را بر عهده جامعه گذاشتیم. وقتی آن بخش از تربیتی را که خانواده باید انجام می‌داد به حکومت سپردیم، از امر و نهی‌هایی که در خانواده به زبان مادرانه بود فاصله گرفتیم و این مسئله موجب شد نقش خانواده در تربیت دینی کاهش یابد.

کارشناسان و اساتید حوزه در میزگرد جوان با موضوع «حجاب و عفاف» مطرح کردند

# جنسیت زن در خانه و شخصیت او در جامعه باید تجلی پیدا کند



**آیا حجاب امری فردی است یا اجتماعی؟** موضوعی حاکمیتی است یا موضوعی است که حاکمیت در آن هیچ نقشی ندارد؟ اگر حجاب را امری شخصی و فردی بدانیم بدیهی است نمی‌توان برای حاکمیت در ترویج و نهادینه کردن حجاب به عنوان بخشی از حاکمیت دینی و تربیت اسلامی نقشی قائل شد. حجاب در حیطه اختیارات فردی باقی می‌ماند و در این میان هر کس حق دارد یا هر پوششی در جامعه ظاهر نشود، اما اگر حجاب را مسئله‌ای اجتماعی بدانیم و در نظر بگیریم نوع پوششی که با آن در جامعه ظاهر می‌شویم امری فردی نیست پس به این نتیجه می‌رسیم که حاکمیت برای شکل دهی و سر و سامان دادن به موضوع حجاب باید وارد عمل شود و در قالب قانون بر این امر اجتماعی نظارت داشته باشد. از سوی دیگر زمینه‌سازی برای فرآگیر شدن اخلاق اسلامی و ایجاد قابلیت پذیرش داوطلبانه حجاب به عنوان امری اجتماعی و یکی از نمادهای جامعه دینی جزو وظایفی است که حکومت اسلامی و دینی موظف است با ابزارهای فرهنگ‌ساز و ذائقه‌ساز خود به آن ورود کند و از این رهگذار جامعه اسلامی ایده‌آل یا قابلیت رشد و تعالی انسان‌ها در آن فراهم شود.

با چنین مباحی سراغ دو نفر از اساتید حوزوی و اعضای بسیج طلاب رفته‌ایم و در میز گردی نقش حاکمیت اسلامی در مسئله حجاب را مورد واکاوی قرار داده‌ایم. مهناز کهندانی تفرشی دکتری فلسفه طبیعی از مدرسه عالی شهید مطهری و مدرس حوزه علمیه است. سکینه خوش طبیعت نیز از اساتید حوزوی است.

**آیا حجاب امری فردی است یا اجتماعی؟** موضوعی حاکمیتی است یا موضوعی است که حاکمیت در آن هیچ نقشی ندارد؟ اگر حجاب را امری شخصی و فردی بدانیم بدیهی است نمی‌توان برای حاکمیت در ترویج و نهادینه کردن حجاب به عنوان بخشی از حاکمیت دینی و تربیت اسلامی نقشی قائل شد. حجاب در حیطه اختیارات فردی باقی می‌ماند و در این میان هر کس حق دارد یا هر پوششی در جامعه ظاهر نشود، اما اگر حجاب را مسئله‌ای اجتماعی بدانیم و در نظر بگیریم نوع پوششی که با آن در جامعه ظاهر می‌شویم امری فردی نیست پس به این نتیجه می‌رسیم که حاکمیت برای شکل دهی و سر و سامان دادن به موضوع حجاب باید وارد عمل شود و در قالب قانون بر این امر اجتماعی نظارت داشته باشد. از سوی دیگر زمینه‌سازی برای فرآگیر شدن اخلاق اسلامی و ایجاد قابلیت پذیرش داوطلبانه حجاب به عنوان امری اجتماعی و یکی از نمادهای جامعه دینی جزو وظایفی است که حکومت اسلامی و دینی موظف است با ابزارهای فرهنگ‌ساز و ذائقه‌ساز خود به آن ورود کند و از این رهگذار جامعه اسلامی ایده‌آل یا قابلیت رشد و تعالی انسان‌ها در آن فراهم شود.

با چنین مباحی سراغ دو نفر از اساتید حوزوی و اعضای بسیج طلاب رفته‌ایم و در میز گردی نقش حاکمیت اسلامی در مسئله حجاب را مورد واکاوی قرار داده‌ایم. مهناز کهندانی تفرشی دکتری فلسفه طبیعی از مدرسه عالی شهید مطهری و مدرس حوزه علمیه است. سکینه خوش طبیعت نیز از اساتید حوزوی است.

نگاهی گذرا به وضعیت حجاب در جامعه بیانگر آن است که این مفهوم با شرایط ایده‌آل آن در اجتماع فاصله دارد. به نظر شما دلیل حاکم نشدن این شرایط چیست؟ و اینکه آیا این وضعیت محصول شرایط تربیت حجاب‌داری است آن هم خانواده‌هایی که دین‌گزاران و اصول‌زنگی آنان است یا حاکمیت در این زمینه نقش دارد؟

**مهناز کهندانی** تفرشی؛ من فکر می‌کنم در این موضوع باید به رابطه میان حاکمیت و حجاب پرداخت و اول این موضوع بررسی شود که حجاب چه نقشی در رابطه با حاکمیت دارد؟ و بعد بررسی کرد به آن پرداخت که آیا حاکمیت در ایناق نقش خود موفق بوده یا خیر؟

البته باید گفت حجاب تنها برای زن نیست و حکم حجاب هم برای پوشش ظاهری نیست که شامل نگاه در درجه اول، کلام، نوع رفتار و در نهایت ظاهر می‌شود.

**یعنی همان عفاف را در بر بگیرد.**

**کهندانی:** بله، دقیقاً وقتی این حکم به همان شکلی که اسلام گفته است در جامعه اجرا شود زنان با کمال آرامش می‌توانند به تعالی‌ای که خداوند برایشان در نظر گرفته است دست یابند. از طرف دیگر حاکمیت هم چون هدفش تعالی انسان است باید در زمینه حجاب اقدام، حکم و فعالیت داشته باشد. اینگونه نیست که بگوییم حجاب مسئله‌ای فردی بوده و ربطی به حاکمیت ندارد. باید بدایم مهم‌ترین وجه حجاب و چه اجتماعی است و حکومت در این زمینه باید دخالت داشته باشد، اما مهم این است که این دخالت حکومت چگونه باید باشد.

**از نگاه شما باید این دخالت چگونه باشد؟**

**کهندانی:** حکومت در وهله اول باید نقشی ارشادی داشته باشد و برای این ایفای نقش هم باید زمینه‌های آن به ویژه در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی را فراهم کند. وقتی این زمینه آماده نشده باشد افراد هم خودشان تمایل پیدا کرده و حتی همکاری می‌کنند، اما اگر این بسترها آماده نشده باشد و بخواهد به شکل دستوری اقدام کند یقیناً بازخوردهای منفی و حتی مقاومت در برابر این موضوع شکل می‌گیرد.

الان می‌بینیم که فرهنگ مقابل فرهنگ اسلامی زمینه‌های مورد نیاز خود را فراهم کرده و در شرایطی که کم‌کاری فرهنگی از سوی ما ادامه دارد به دنبال ایجاد بی‌حجابی و بدحجابی است. وقتی عفت و حیا هم در جامعه کنار گذاشته شود این مسئله موجب ایجاد اختلال در کار کرد جامعه می‌شود، لذا شما می‌بینید در آندلس وقتی می‌خواستند لشکر اسلام را شکست دهند از همین طریق وارد و موفق هم می‌شوند. چون حجاب در اصل تربیت و تعالی انسانی نقش دارد و وقتی افراد نتوانند به تعالی مورد نظر جامعه برسند کم‌کم از حکومت جدا می‌شوند و حاکمیت به انحطاط می‌رسد.

**بحث دیگری که مطرح می‌شود این مسئله است که حجاب امری است فردی یا اجتماعی؟ شما تأکید داشتید که حجاب نمی‌تواند فردی باشد، چراکه ما در جامعه حضور داریم و بر یکدیگر تأثیر می‌گذاریم. اخیراً موضوع حجاب اجباری و اختیاری هم در سطح جامعه مطرح شده است. اگر حجاب را امری اجتماعی بدانیم پس اختیاری بودن آن محلی از اعراب ندارد. نظر شما در این خصوص چیست؟**

**سکینه خوش طبیعت:** حجاب امری اجتماعی است. حجاب یعنی پوشش داشتن. اگر پوشش لازم است این پوشش در کجا باشد؟ به طور طبیعی این پوشش باید در جامعه باشد. حد اصل شأن نزول آن هم مرتب به رعایت پوشش در جامعه است. از سوی دیگر حجاب تنها مربوط به زنان نمی‌شود به مردان هم اشاره دارد. حجاب هم فقط ظاهر نیست. ما حجاب چشم داریم، حجاب زبان داریم، حجاب دست و پا داریم. ما از دو بُعد زنان را مورد توجه قرار می‌دهیم. یک بُعد در خصوص جنسیت زنان است که این باید در خانه بروز پیدا کند. بُعد دیگر ما مربوط به خارج از خانه و اجتماع است و باید شخصیت و شأن زن بروز یابد، لذا این جنسیت باید در حصار و پوشش قرار گیرد. اگر ما این جنسیت را نبخشیم در جامعه مشکلاتی به‌وجود می‌آید. زن

# زنان

سرویس اجتماعی ۸۸۹۸۴۰۰



جایگاه زن یک جایگاه درستی باشد و شرایط برای این تعالی جایگاه فراهم باشد.

**رود حاکمیت برای نقش آفرینی در دست زن و مرد در جامعه چگونه و از طریق چه سازوکاری امکانپذیر است؟**

**کهندانی:** باید کار شود و زمینه‌های آن از جهت علمی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و... فراهم شود. باید کار شود که چگونه زنان در شغل‌های مختلف لباسی در چارچوب حجاب داشته باشد.

حجاب جنبه اجتماعی دارد و نگاه اسلام به حجاب جنبه بسیار قوی اجتماعی دارد و چون حکومت یکی از وظایفش این است که باید بستر لازم را در این زمینه فراهم کند، لذا باید در تمامی حوزه‌ها برنامه داشته باشد برای حجاب و عفاف و باید ورود جدی‌تری به مقوله کند، اما باید تأکید داشت که حکومت در این زمینه به کمک نهاد خانواده احتیاج دارد و نهاد خانواده باید در مقوله تربیت به کمک حکومت بیاید.

حکومت همچنین باید در حیطه خودش بسترسازی‌های لازم برای تقویت حجاب و عفاف را داشته است و از جانب دیگر در حوزه قوانین در این خصوص ظرافت‌های اخلاقی را نیز مدنظر قرار دهد. از سوی دیگر باید گفت حکومت ابزارهای خوبی دارد که می‌تواند برای کارآفغانی در حوزه نخبگانی و حتی ارتباط با مردم از آنها بهره‌گیری کند.

**اگر اجازه دهید سؤال دیگری را مطرح کنم، در یک جامعه دینی خانواده نقش پررنگی دارد، یعنی در جامعه دینی حاکمیت از مردم جدا نیست. شما در صحبت‌هایتان اشاره‌ای داشتید به نقش خانواده و عدالت اجتماعی. به نظر شما خانواده در این موضوع چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟**

**خوش طبیعت:** یکی از مواردی که می‌تواند فرزندان ما را در ولایت‌پذیری مضمم کند، روحیه تعبد‌پذیری است.

وقتی فرزند می‌بیند مادر از شوهرش یا مادر از مادرش حرف شنوئی دارد آرام آرام آساده روحیه تعبد‌پذیری می‌شود. این روحیه و تقویت آن باعث می‌شود فرزندان ما نسبت به پذیرش حجاب در چارچوب همین تعبد اهتمام داشته باشند.

بخشی از مطالب شما درست است، اما بخشی از آن را قبول ندارم. دستورات دینی ما آنقدر پشتوانه عقلی و منطقی دارند که ما می‌توانیم بر اساس ادله‌مان فرزندان را قانع کنیم. در چنین شرایطی نیازی به روحیه تعبد نیست. شما قبول ندارید؟

**خوش طبیعت:** تعبد‌پذیری را زیر قانون نبینیم. تعبد‌پذیری را اگر ذیل دوست داشتن و علاقه ببینیم آن وقت فطرت بیدار می‌شود. ما باید علاقه و دوست داشتن را بیدار کنیم.

**به هر حال در جامعه امروز بچه‌های ما با انبوهی از اطلاعات مواجه هستند و دشمنان در فضای مجازی هم شیئات زیادی را مطرح می‌کنند که روحیه تعبد‌پذیری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. جوانان الان با جامعه‌ای مواجه هستند که در تضاد با دریافت‌های داخل خانواده‌اش است. این‌جایچه باید کرد؟**

**کهندانی** تفرشی؛ بله در حقیقت این شرایطی که فرمودید آن فطرت را می‌بوشاند، یعنی یکی از عواملی که در جامعه می‌تواند فطرت را ببوشاند همین مسائل است و یکی از راهکارهای تربیتی همین بازگرداندن افراد به فطرت است که البته کار می‌برد.

**بی‌شک نقش خانواده در موضوع حجاب غیرقابل انکار است. اگر خانواده بتواند کارکرد مناسب و مؤثری داشته باشد در حقیقت فرزندان خود را در برابر شبهه‌ها و القانات واکسیننه خواهد کرد، اما به هر حال ما با شرایطی مواجه هستیم که تحركات فراوانی**

## حاکمیت

**حاکمیت چون هدفش تعالی انسان است باید در زمینه حجاب اقدام، حکم و فعالیت داشته باشد. اینگونه نیست که بگوییم حجاب مسئله‌ای فردی بوده و ربطی به حاکمیت ندارد. باید بدانیم مهم‌ترین وجه حجاب و چه اجتماعی است و حکومت در این زمینه باید دخالت داشته باشد، اما مهم این است که این دخالت حکومت چگونه باید باشد**

**کهندانی:** عدالت یعنی اینکه هر چیزی را جای خودش بگذاریم. اگر جامعه ما به گونه‌ای باشد که زن و مرد بتوانند در جایگاه اصلی خودشان قرار گیرند آن وقت عدالت اجتماعی برقرار می‌شود. در جامعه ما برخی زنان و مردان دنبال کارهایی هستند که با نقش‌های تعریف شده برای آنان مغایرت دارد. زنانی که دنبال کارها و نقش‌های مردانه هستند و مردانی که زن وارده شده‌اند و مرزهای زنانه و مردانه جابه‌جا و موجب می‌شود نقش‌های فطرتی نادیده گرفته شود و نه تنها جامعه که خانواده نیز تحت تأثیر قرار گیرد. از سوی دیگر فرزندان در خانواده مسائل تربیتی را مشاهده می‌کنند. در گذشته اینگونه بود که فرزندان از نزدیک مشاهده می‌کردند که مادر خانواده هنگامی که پدر خانواده در آستانه آمدن به خانه است به خودش می‌رسد، اما امروز بر عکس است و فرزندان می‌بینند که مسئله حجاب در خانه و جامعه تغییر کرده و اتفاقاً

## حاکمیت

**یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که خانواده‌ها می‌توانند در بحث حجاب ایفا کنند انتقال احساس ارزشمندی به دخترشان است. این دختر در صورت دریافت حس ارزشمندی و محبت اجازه نمی‌دهد جنسیتش در معرض به نمایش گذاشتن قرار گیرد**



مادر خانواده برای بیرون رفتن از خانه است که به خودش می‌رسد. اما امروز بر عکس است و فرزندان می‌بینند که مسئله حجاب در خانه و جامعه تغییر کرده و اتفاقاً

مادر خانواده برای بیرون رفتن از خانه است که به خودش می‌رسد. اما امروز بر عکس است و فرزندان می‌بینند که مسئله حجاب در خانه و جامعه تغییر کرده و اتفاقاً

**باز می‌گردم، اینطور نیست؟**

**کهندانی:** بله. اگر حاکمیت دخالت نکند هیچ یک از وظایف فردی قابلیت اجرا شدن ندارد. وقتی شما دیدگاه‌های امام را بررسی می‌کنید می‌بینید مسئله مهم، مسئله تربیتی است. ما می‌بینیم که در دیدگاه حضرت امام(ره) مسئله مهم انسان‌سازی است و تلاش برای متعالی کردن و اینگونه است که جمله معروف را در خصوص نقش زن مطرح کرده و می‌فرمایند که مرد

از دامن زن به معراج می‌رود، لذا خیلی اهمیت دارد که



**علیه اصول اسلامی و از جمله حجاب وجود دارد.**

**خوش طبیعت:** من معتقد نقش‌سادر در این زمینه خیلی مهم است به ویژه سطح سواد و دانش مادران در حوزه سواد دینی. سواد دینی‌ای که بتواند شیئات بچه‌ها را پاسخ بدهد، جوابی که بتواند بچه‌ها را قانع کند. **کهندانی:** بنده هم در تکمیل صحبت‌های ایشان باید بگویم یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که خانواده‌ها می‌توانند در بحث حجاب ایفا کنند انتقال احساس ارزشمندی به دخترشان است. این دختر در صورت دریافت حس ارزشمندی و محبت اجازه نمی‌دهد جنسیتش در معرض به نمایش گذاشتن قرار گیرد. بی‌تردید این دختر در جامعه به گونه‌ای رفتار خواهد کرد که دیگران در جامعه به دنبال شخصیت و شأنیت آن باشند و حتی این دختر در برابر شیئات نیز این احساس ارزشمندی را از دست نخواهد داد و در برابر فشارهایی حیایی نخواهد کرد.

**با توجه به اشاره‌ای که شما به ابزارها داشتید، برای این نکته تأکید دارم که به هر حال ما ۴۰ سال است که حکومت اسلامی تشکیل داده‌ایم اما به نظر می‌رسد در برخی محورها، حوزه‌های علمیه ما کم‌کاری کرده‌اند، نظر شما چیست؟**

**کهندانی:** درست است. ما در حوزه‌ای که خودمان فعال هستیم دغدغه‌های فرهنگی در خصوص حجاب و عفاف و امر به معروف و نهی از منکر داریم و تلاش کردیم اما نکته‌ای که وجود دارد این است که حتی برخی از حوزوی‌های ما که سطح ۳ هستند و پنج سال است که زحمت کشیده‌اند در رشته فقه و فلسفه، تلاش برای مناظره‌ها به دنبال مطالعه، رفته‌اند تا تلاش کنند در کاری است که در همه حوزه‌ها انجام نشده و باز خورد بیرونی هم نداشته است.

**به نظر می‌رسد فاصله میان حوزه و حوزویان با جامعه همچنان وجود داشته و دارد، در حالی که انتظار می‌رفت بعد از انقلاب این فاصله کمتر شود و از بین برود.**

**کهندانی:** باید گفت حتی خود طلبه‌ها هم هنوز در برخی از این مسائل مشکل دارند.

**ما حتی در این زمینه انتقاد مقام معظم رهبری را هم داشتیم که نسبت به اتومبیل ۲۰۰ میلیونی برخی طلبه‌ها انتقاد داشتند که طلبه‌ای که با این اتومبیل می‌آید در حوزه چه چیزی می‌خواهد به دست بیاورد؟**

**کهندانی:** این بزرگان ما از کجا آمده‌اند. بیشتر اینها از حوزه‌ها آمده‌اند. می‌آیند و زندگی تجملی دارند و تصور می‌کنند خطایی نکرده‌اند در صورتی که خطای بزرگی است که با این عملکرد اذهان را آلوده می‌کنند و بی‌اعتمادی را به وجود می‌آورند. حتی بحث حجاب و عفاف و امر به معروف و نهی از منکر اینها برای برخی طلبه‌ها نیز جا نیفتاده است، لذا توانمندی لازم را برای دفاع ندارند و نمی‌توانند شبهه‌ها را جواب دهند. باید گفت که این ایراد وارد است.

**این را هم بگویم که خیلی تلاش‌ها در حوزه‌ها شروع شده است، اما نه آنقدر فرآگیر و نه آنقدر تقویت شده که بازخورد بیرونی داشته باشد.**

**به معنای دیگر این تلاش‌ها بیشتر قائم به فرد بوده و چریاتی نشده و دیر هنگام بوده است.**

**کهندانی:** بله. درست است این تلاش‌ها تبدیل به جریان نشده است. مثلاً در همین جامعه الزهرا ما می‌بینیم که کارهایی کرده‌اند و کتاب‌هایی هم دارند و همایش‌هایی راهم برگزار کرده‌اند، اما به قول شما ارتباطی با جامعه گرفته نشده و طلبه‌ای که آمده بیرون چند سال پس از اینکه از حوزه خارج شده است وقتی وارد جوامع دیگر می‌شود تغییر می‌کند و عوض می‌شود و این به خاطر همین ارتباط‌گیری است.